

سیده حسین

هجدهم میزان سال ۱۳۹۰ هجری خورشیدی

سیمین بارکزی قهرمان زنی که برای زنده ماندن عدالت از جان میگذرد

نه ظلم کن به کس و نه زیر بار ظلم برو که این مرام حسین هست و منطق دین هست

انتخاب ادامه ای زندگی انسان را که خود قهرمانی هر روز زنان - آزاده خواه قهرمان در به دنیا آوردن انسانی که هر لحظه اتفاق می افتد و با قبول مرگ از جان میگذرد تا حیات بخشد - به فراموشی ما سپردند یا بهتر به باور ما می سپارند .

شیره ای جان زن را که مایه تسکین و ادامه ای حیات هست - نادیده گرفتند و به ما یاد دادند تا نادیده بگیریم .

عشق زن که پیام معبود الهی در زمین هست - برای آرام سازی زیر شکم های مردانه آلوده کردند و به خاطره ای ما سپردند که آنچه میکنند فتوای عالمانه دارند و خواست عادلانه .

برای سر پیچی از فتوای عالمانه و خواست عادلانه ای مردانه ، مردان تشکیلات کردند و تبریئه از نوع دین و سیاست قانونی را دسته بندی کردند و میکنند تا به زن با زور بفهماند که این حق انسانی مرد است .

زن از جنس زیر دستان - کشت زار مردان و محتاج قانون تا سر به زیر شود و تا ابد سر به زیر باقی بماند .

چه خوب از جامعه با پوشاندن و به گوشه راندن با قانون دین بدستان، دستار به سر زده و از ترس برآشکار شدن اندیشه ای آگاه ای زیر دستان - هر روز میلرزند و همدیگر را محکم گرفتند و میگیرند - خوب میدانند که با افتادن طشت به زمین آوازه ای فروش وطن که « مادر » می خوانند در صفحات تاریخ از زمان ها هست که مشغول اند و برای رسوا شدن - ذلیل قانونی مینویسند .

مردان قانون ساز که [بابا ها] در تاریخ نام گرفتند جز ساختن فقره ها و محکوم کردن زن چیزی در زیر دستار و چین و در لابلای تنبان های چندین متر و پیراهن های دراز که هر چه ساختند و سازند - پنهان نگهدارند تا آسوده خاطر این دلال های بازاری خارجه با قاچاقبران وارده زن را پیش انداختند - زیادتر بیچاندن .

فریاد زنان از بی بی حوا تا بی بی مریم و از بی بی زینب تا بی بی سمین فقط بیداری و عقل بخشیدن و به جایگاه نشانیدن حق و انتخاب بوده و هست .

اپارتاید در جامعه ای تبعیضی جنسیتی ما چیست ؟

زن باید جزا ببیند تا مبادا مردان سنت نگهدار از نداشتن بیداری وجدان - روشنائی عقل و غضب حق انسانی و انتخاب آزادی رسوا شوند و شرمنده در سکوی تاریخ گذشته - حال و بی جواب در برابر عدالت زن سر افکنده ، باقی مانند .

خوب همه میدانند که :

تاریخ مردان سراسر از زن سوزی - زن کشی - زن ستیزیاز اندازه زیاد دارد .

هم چنان که :

تاریخ زنان با عقل و منطق انسان - با عشق و محبت - با فهم و دانش ذاتی مادر و با صبر و حوصله جاودانی زن باز هم استوار ایستاده .

تا حال سخن از آزاد زیستن و آزادی را انتخاب کردن - از مردان می شناسایم، یا بهتر به ما شناساندند .

اما دیگر بس هست . زن به هویت انسانی اش از عمری هست که رسیده و در تاریخ گواه دارد و آن مگر زن برای چه دست آدم گرفت :

چه جالب هست که همین زن خود را قربانی کرد و به آدم غرور بخشید و مردانه اش نامید و این موجود با ضعیفی ذاتی اش خود را قدرتمند احساس کرد و از چوکات انسانیت زن را به دور انداخت و زیر قدرت دین و سیاست نابودش کرد و هنوز هم میکند .

هر انسان افغان اگر از قدرتمندی سیمین که نمونه ای از هزاران انسان محکوم شده زیر عنوان زن پشتیبانی نکند و همدم لحظات حالا اش نشود -

به رسم افغانی بعد از رفتن القاب - عناوین و قهرمان سازی که طبیعت مردان جامعه ای افغانستان است - جز آبروریزی مردان و سکوت شرم بار زنان را انتظاری دیگری نیست .

پیروز و موفق باشد انسان های آگاه به وقت و زمان چه از جنس مرد یا زن و در هر جای عالم .